



عکس ها : وحید بیات / قدس

گزارش میدانی قدس از پشت پرده‌های برداشت غیرمجاز از معدن مرگ در خراسان شمالی

دلالان، آلبلاغ را محاصره کرده‌اند

خروج سامانه ناپایدار جوی

از خراسان رضوی

قدس: اداره کل هوشناسی خراسان رضوی اعلام کرد: طبق بررسی نقشه‌ها و تصاویر ماهواره‌ای به تدریج با خروج سامانه ناپایدار جوی از استان، شاهد کاهش ابرناکی و در دو روز آینده جوی پایدار در استان خواهیم داشت. در این مدت پدیده غالب مه‌صیحگاهی، در طول روز غبارآلود و در شهرهای صنعتی و پرجمعیت افزایش آلاینده‌های جوی خواهد بود. ضمن اینکه در اواخر هفته دمای روزانه افزایش خواهد یافت. هوای امروز مشهد هم صاف تا کمی‌بری با مه‌صیحگاهی در بعدازظهر گاهی وزش باد و افزایش ابر خواهد بود. حداقل و حداکثر دما هم برای امروز شهرستان مشهد به ترتیب ۲- و ۷ درجه بالای صفر پیش‌بینی شده است. در ۲۴ ساعت گذشته قوچان با کمینه دمای ۱۰- درجه سلسیوس سردترین و خواف با بیشینه دمای ۱۲ درجه سلسیوس گرم‌ترین شهرهای استان خراسان‌رضوی بوده‌اند. همچنین بیشترین مقدار بارش از کلات نادر ۶/۳ میلیمتر و بیشترین سرعت وزش‌باد از ایستگاه هوشناسی سرخس با سرعت ۶۵ کیلومتر بر ساعت گزارش شده است.

رویی خط خمر

صدور کيفرخواست برای ماجرای که

«قدس» از آن رونمایی کرد

پرونده سلطان فروش مِدرک جلعی

در مسیر دادگاه



عقیل رحمانی: معاون دادستان و سرپرست دادسرای ناحیه ۲ مشهد گفت: کيفرخواست پرونده هلدینگ افتاب، معروف به سلطان جمل مدرک تحصيلی صادر شد و در حال پيکيري هستيت تا پرونده در شعبه ویژه‌ای در دادگاه کيفری مورد رسيدگی قرار بگيرد. قاضی سیدجواد حسینی، معاون دادستان و سرپرست دادسرای ناحیه ۲ عمومی و انقلاب مشهد در تشریح پایان روند رسيدگی به پرونده پيچيده جمل و فروش مدرک علمی که بیش از یک سال است قدس به صورت ویژه و اختصاصی موضوع را رصد می‌کند، گفت: اخلال در نظام اقتصادی، کلاهبرداری شبکه‌ای به میزان حدود ۱۰ میلیارد ریال، جمل انواع مدرک‌تحصیلی در پایه‌های مختلف، طراحی حدود ۱۰۰ سایت جعلی، پولشویی حدوداً ۹۰۰ میلیارد ریالی و فرار مالیاتی در حدود ۸۵۰ میلیارد ریالی اتهاماتی است که در این پرونده وجود دارد.

مدیرکل راه و شهرسازی خراسان شمالی

تشریح کرد

بررسی راهکارهای کاهش

حوادث جاده‌ای



بجنورد- خبرنگار قدس: مدیرکل راه و شهرسازی خراسان شمالی گفت: بی‌احتیاطی و توجه نکردن به مقررات رانندگی نقش بسزایی در حوادث جاده‌ای در خراسان‌شمالی داشته است. سیدعبدالمجید نژادصفوی در جلسه شورای اداری شهرستان راز و جرگلان به بحث آموزش در کاهش تصادفات جاده‌ای اشاره کرد و افزود: نهادینه کردن آموزش و فرهنگ‌راندگی از مراحل ابتدایی تحصیل توسط آموزش و پرورش و مساعدت فکری رسلانها و فضای‌مجازی نقش اثربخشی در کاهش حوادث ایفا خواهد کرد.

وی تصریح کرد: منظور آرایي جاده‌ای، احداث پارکینگ، فضای سبز، سکوهای نماز و... از جمله خدماتی است که باید در همه محورها عملیاتی شود تا رانندگان در صورت احساس خستگی بتوانند توقف کوتاه‌مدتی داشته باشند و تحقق این موارد نقش قابل‌توجهی در کاهش حوادث به دنبال خواهد داشت. وی بیان کرد: احترام به مخاطبان جاده‌ای، توجه به دستورات و همکاری با پلیس‌راه و عوامل راهنماری، رعایت سرعت مطمئنه و اطمينان از سلامت خودرو از ديگر عوامل اثربخش در کاهش تصادفات است.

انتقاد معاون عمرانی استاندار خراسان شمالی:

زیستگاه یوز بلنگ آسیایی به محلی

برای چرای دام تبدیل شده است!



قدس: معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار خراسان‌شمالی گفت: بنا به گزارش ستاد ملی مقابله با پدیده گرد غبار از سال ۹۶ تاکنون سالانه ۱۰۰ میلیون دلار برای مقابله با این پدیده استفاده شده که سهم استان از این اعتبارات بسیار اندک بوده و باید از این اعتبارات ملی بیشتر به‌رمند شویم. رضا رجب‌زاده در کارگروه مقابله با پدیده گردوغبار استان اظهار کرد: دخالت‌های انسانی تعادل طبیعت را از بین برده است. به عنوان مثال زیستگاه یوزبلنگ آسیایی به محلی برای چرای دام تبدیل شده در حالی که حفاظت از این گونه جانوری یکی از وظایف ملی است و کشور‌های توسعه‌یافته به دنبال حضور در کشور ما برای ادامه حیات گونه‌های جانوری در حال فقرض هستند.

رجب‌زاده تأکید کرد: مقابله با بیابان‌زایی و حفاظت از منابع طبیعی تکلیف بین‌بخشی و مرتبط با تمامی دستگاه‌های اجرایی است؛ بنابراین باید وظایف تکت‌کت دستگاه‌ها مشخص شود تا عقب‌ماندگی استان در این حوزه جبران شود. این مقام مسئول خاطرنشان کرد: در حال حاضر به رغم تنوع اقلیمی تنها یک دستگاه سنجش در استان وجود دارد و باید با پیگیری از مرکز به دنبال افزایش ایستگاه‌های سنجش باشیم. وی افزود: اینکه اقدامات برای مقابله با بحران‌ها به پس از وقوع بحران موکول شود ضعف است که تبعات مالی و اجتماعی بیشتری دارد.

عقیل رحمانی: دلان برای بردن سنگ‌های استخراج شده از معدن آلبلاغ سرو دست می‌شکنند و سودش به جیب آن‌ها می‌رود و بازی با جان سهم جوانان منطقه که به دنبال تأمین نیازهای مادی روزمره خود هستند، می‌شود.

ریش معدن آلبلاغ بازهم جان یک نفر را گرفت؛ برداشت غیرمجاز از معدن آلبلاغ در حوالی اسفراین موجب مرگ یک روستایی شد و ششمین عامل برداشت غیرمجاز از معدن آلبلاغ هم جان خود را از دست داد، این‌ها نمونه‌ای از خبرهای بود که از ابتدای سال جاری تا امروز هر چند ماه یک بار تبدیل به خبر اصلی برخی رسانه‌های مکتوب و... می‌شد.

در تمامی این اخبار اشاره شده بود که معدن آلبلاغ در منطقه حفاظت شده ساریگل و در فاصله چندکیلومتری از شهر اسفراین در استان خراسان شمالی واقع شده و علت جانباختن این افراد هم این است که روستاییان برای برداشت غیرمجاز از معدن باد شده حاضرند راه‌های کوهستانی و صعب‌العبور را پشت سر بگذارند و هر طور شده از معدن آلبلاغ برداشت کنند.

❖ **راهی معدن مرگ می‌شویم**

پس باید سنگ‌های برداشت شده از معدن آن‌قدر ارزش داشته باشد که روستاییان جان خودشان را کف دست گرفته و به کوهستان می‌زنند. برای بررسی هر چه بیشتر ماجرا و یافتن پاسخ پرسش‌های بی‌جوابان همراه با تصویربردار روزنامه در یکی از روزهای سرد زمستانی ساعت ۸:۳۰ مشهد را به مقصد اسفراین ترک می‌کنیم. برای انتخاب نزدیک‌ترین مسیر از مسیر یاب گوشی تلفن‌همراه کمک می‌گیرم. کوتاه‌ترین مسیر که فاصله‌ای حدود ۲۸۴ کیلومتری با مشهد داشت را انتخاب می‌کنیم.

برای رسیدن به مقصد که همان شهر اسفراین بود پس از عبور از شهر چناران، وارد مسیر فرعی منتهی به روستای چکنه می‌شویم. کوه‌های پوشیده شده از برف، همانجا قدرتشان را به رخ ما می‌کشند. از چکنه و گل‌پین عبور می‌کنیم و از کنار گذر روستای مشکان به سمت راست تغییر مسیر می‌دهیم و راه روستای گرانی را پیش می‌گیریم. برای رسیدن به این روستا که در چند ده‌کیلومتری اسفراین قرار داشت باید مسیر سخت و جاده‌ای با چاله چوله‌های فراوان را پشت سر می‌گذارشتیم. پس از حدود ۳ ساعت و نیم رانندگی مداوم وارد شهر اسفراین می‌شویم. خودرو روزنامه دور میدان مادر این شهر متوقف می‌شود تا برای یافتن محل دقیق واقع شدن معدن آلبلاا از چند راننده تاکسی که منتظر پر کردن خودرو و تکمیل مسافر بودند، کمک بگیریم.

سوز شدید سرما همان لحظه پیاده‌شدن از خودرو سیلی سختی به صورت‌م می‌زند. از یکی از راننده تاکسی‌ها می‌پرسم چطور به معدن آلبلاغ برویم، راننده با تعجب به چشمانم خیره می‌شود و می‌پرسد آلبلاغ، الان؟

سری به تأیید تکان می‌دهم و او در حالی که با دست‌ب به پشت سر من و قله یک کوه سفیدپوش اشاره می‌کند، می‌گوید: آلبلاغ آنجاست، اما چندمتر برف روی کوه را پوشانده است و راه آن باز نیست. وقتی می‌فهمد خبرنگار هستم ادامه می‌دهد: یکی ازهمکارانم چند روز پیش برای برداشت به معدن رفته بود که یک تن سنگ روی سرش ریخت و جان خودش را از دست داد. شما هم فکر این کار را از سرتان بیرون کنید، چرا که در حالت عادی هر کس به

محل می‌رود با جانش بازی کرده چه برسد به الان که برف همه‌جا را گرفته است.

اصلاً فکر برگشتن را به ذهنم راه نمی‌دهم، ما باید به محل می‌رفتیم و هر طور شده با افرادی که از معدن برداشت غیرمجاز می‌کنند، صحبت می‌کردیم. هر چند راننده تاکسی کلی ما را ترساند، اما آخر راه را نشان ما داد و گفت: مسیر سد بیدواز را ادامه بدهید، وارد منطقه حفاظت شده خواهید شد. آنجا اهالی چندین روستا هستند که در میان آن‌ها تعدادی برای برداشت به ارتفاعات آلبلاغ می‌روند. با آدرسی که راننده تاکسی می‌دهد از شهر خارج و وارد پیچ وخم‌های تند و خطرناک سدبیدواز می‌شویم. از سد عبور می‌کنیم و به سمت نخستین روستا که براساس بررسی‌های ما در حوالی منطقه حفاظت شده ساریگل واقع شده و از یک طرف به معدن آلبلاغ راه دارد، حرکت می‌کنیم. چند دقیق بعد به روستای نوشیروان می‌رسیم که در کنار یک پیچ و درمیان دره قرار داشت.

❖ **برداشت غیرمجاز به شیوه کوله‌بری!**

به ورودی روستا که می‌رسیم یک پیرمرد را می‌بینم که با دوربین شکاری ارتفاعات را رصد می‌کند. احساس می‌کنم چشم انتظار کسی است، خودرو را متوقف می‌کنیم و به سراغ مرد جوانی که آنجا بود می‌روم تا به واسطه او یکی از اهالی که برای برداشت سنگ‌های معدنی به آلبلاغ می‌رود را بیابم. وقتی با او هم‌کلام می‌شوم و می‌فهمد خبرنگار هستم، با زدن یک «سوت» همان پیرمرد را به سمت ما فرامی‌خواند و می‌گوید: او دقیق‌تر از ماجرا اطلاع دارد.

پیرمرد دوربین به دست که به جمع ما می‌پیوندد وقتی از ماجرا مطلع می‌شود این گونه سر صحبت را باز می‌کند: برف ارتفاعات را پوشانده و در حال حاضر کسی به محل نمی‌رود. اهالی روستای ما از زمانی که برخی در این راه کشته شده‌اند کمتر به معدن می‌روند.

از او می‌پرسم بهترین راه رسیدن به معدن کجاست، او می‌گوید: از تمامی این روستاها که دور تا دور کوه را گرفته‌اند، راه به معدن وجود دارد، اما روستای قلعه‌سفید مسیر راحت‌تری دارد. او ادامه می‌دهد: زمانی که هوا خوب باشد تعدادی از اهالی برای برداشت سنگ‌های معدنی که برخی می‌گویند سرب و روی دارد، به محل می‌روند. راه آن خیلی دشوار است، معمولاً با الاغ به سمت معدن می‌روند و برخی هم به صورت کوله‌بری خودشان را به محل می‌رسانند. همین چند روز پیش یکی از اهالی وقتی به صورت کوله‌بری با خود حدود ۵۰ کیلوگرم سنگ را از ارتفاعات پایین آورد، وقتی وارد روستا شد همانجا از حال رفت و افتاد. دلیل اصلی اینکه برخی با جان خود بازی می‌کنند هم مشکلات اقتصادی است و گرنه چه کسی با وجود این همه دشواری دست به این کار می‌زند.

❖ **معدن زیر برف**

از آن‌ها خداحافظی و به سمت روستای قلعه‌سفید حرکت می‌کنیم. این روستا هم روی دامنه‌کوه قرار گرفته و باید از روی

یک پل عبور کنیم تا وارد آن شویم. طبق اطلاعات ما باید از میان روستا عبور می‌کردیم و وارد یک راه مالرو می‌شدیم تا بتوانیم به سمت معدن آلبلاغ برویم. از آخرین خانه روستا هنوز دور نشده بودیم که یک زن روستایی ما را صدا می‌زند و درحالی که به راحتی فارسی صحبت نمی‌کند به ما می‌فهماند که همانجا توقف کنیم. خودش را که به ما می‌رساند، دخترش هم همراهش می‌آید. او که فارسی روان‌تر از مادرش صحبت می‌کند از ما می‌پرسد کجا می‌روید؟ پاسخ می‌دهیم به سمت معدن آلبلاغ، باتعجب و ترس نگاهی به ما می‌کند و با حالتی که راه ما را سد کرده باشد، می‌گوید: مگر برف را روی قله نمی‌بینید، به آن سمت نروید، کشته خواهید شد. حتی در حال حاضر اهالی روستا هم برای برداشت به ارتفاعات نمی‌روند. این سرما موجب شده گرگ به سمت روستا آلبلاغ راه دارد، حرکت می‌کنیم. چند دقیق بعد به روستای نوشیروان می‌رسیم که در کنار یک پیچ و درمیان دره قرار داشت.

مادرش که فهمیده بود ما چه قصدی در سر داشتیم به زبان کرمانجی و با حالت نگرانی کلماتی را به دخترش منتقل و او هم برای ما صحبت‌های مادر را ترجمه می‌کرد. خلاصه آن‌ها ما را قانع کردند که از رفتن منصرف شویم، چرا که باید برای رفتن به محل صبح زود به کوه می‌دیم. حدود چهارساعت پیاده‌روی در کوه برای رسیدن و برگشت آن هم زمانی دیگر نیاز داشت.

از آن‌ها سراغ افرادی را می‌گیریم که خودشان به معدن می‌روند و می‌توان گفت کارشان همین است که نشانی روستای حسن‌آباد را می‌دهند.

❖ **هر الاغ و ۷۰ کیلوگرم بار**

از روستا بیرون می‌رویم و جست‌وجوی خود را برای پیدا کردن یکی از آن افراد ادامه می‌دهیم. وارد روستای حسن‌آباد می‌شویم. چندین جوان در ابتدای روستا زیر آفتاب نشستند. بازهم خودمان را معرفی و می‌شوند و باهم درگوشی صحبت می‌کنند و پاسخ می‌دهند ما کسی را که به معدن برود نمی‌شناسیم!

چند قدم که از آن‌ها دور می‌شووم و پاسخ آن‌ها را در ذهن مرور می‌کنم، احساس کردم آن‌ها من را دست به سر کرده‌اند، دوباره برمی‌گردم و می‌گویم فکر می‌کنم یکی از شماها باید تا به حال به معدن رفته باشد. خنده یکی از آن‌ها همه را خنداند. او می‌گوید: من کارم رفتن به معدن آلبلاغ است. تا امروز بارها به آنجا رفته‌ام. راه آنجا مالرو است. هر بار که می‌خواهم به آنجا بروم با خودم دو الاغ می‌برم. هر الاغ را هم حدود ۷۰ کیلوگرم بار می‌کنم. گاهی امکان دارد که حین برگشتن از معدن الاغ به داخل دره سقوط کند، تا امروز برای خودم هم این اتفاق پیش آمده است.

❖ **بازی با جان به سود دلان!**

گرم صحبت با او بودم که یکی‌دیگر از روستاییان وارد صحبت ما شد و گفت: اسمی از من منتشر نکنید. اگر چهار ساعت راه را طی کنیم و به معدن آلبلاغ برسیم و شرایط برداشت مهیا نباشد، باید شب را هم آنجا سبری کنیم. بارها این گونه شده برای همان هم با خودمان چادر می‌بریم. این اقدام خیلی خطرآفرین است و به خاطر شرایط مادی و نبود کار مناسب برخی از اهالی در منطقه دست به این کار می‌زنند. نمی‌دانم این سنگ‌ها چه ارزشی دارد، اما هرچه هست آن‌قدر می‌آزد که برای خریدن آن دلانان از شهرمشهد و... به این روستاها می‌آیند و برای هر کیلوگرم سنگ معدن آلبلاغ ... هزار تومان پرداخت می‌کنند.

او ادامه می‌دهد: ازهمین روستا تا امروز سه نفر و از روستاهای دیگر هم حدود سه نفر حین برداشت سنگ جان خودشان را از دست داده‌اند. دلیل این حادثه هم ریختن آوار در غارهایی است که با دست کنده شده‌اند. برای کندن و رفتن به عمق زمین دستگاه‌های شازری همراه می‌بریم، گاهی حین کندن محل موج ایجاد و موجب ریزش آوار می‌شود. کشته‌ها به کنار تعدادی زیادی هم در این مسیر مجروح شده‌اند. هستند افرادی که حین رفتن و یا برگشتن از ارتفاعات داخل دره پرت شده‌اند یا به خاطر ریزش آوار روی آن‌ها قطع نخاع و مجروح شده‌اند، چاره چیست؟ برای تأمین هزینه‌های زندگی نیاز داریم این خطر را به جان بخریم. اگر یک درآمد پایدار داشته باشیم هیچوقت به سمت این کار نخواهیم رفت.

❖ **امکانات کامل سودجویان برای خرید سنگ‌ها!**

همان‌طور که توضیح می‌دهد دستم را می‌گیرد و با خود به خانه‌اش می‌برد و آنجا چند نمونه از سنگ‌های معدن آلبلاغ را به من می‌دهد و می‌گوید: برای این سنگ‌ها جان خودمان را به خطر می‌اندازیم. او در مورد دلانان و بردن سنگ‌ها هم می‌گوید: آن‌ها آن‌قدر اطلاعات دقیقی دارند که می‌دانند چه چیزی را ببرند و چه چیزی را نبرند. برای این کار هم روی نمونه‌هایی که اصالتشان مشکوک است، قطره می‌ریزند. خوب‌ها را جدا می‌کنند و می‌برند. درفصل بهار و تابستان دلانان در محل مستقر می‌شوند و سنگ‌ها را به شیوه‌ای خاص از محل خارج می‌کنند. برخی می‌گویند آن‌ها را به خارج از کشور قاچاق و عده‌ای هم اعتقاد دارند به یک کارخانه داخل کشور می‌برند.

❖ **نود اشتغال، عامل اصلی این اقدام خطر آفرین**

در ادامه او قول می‌دهد که در فصل بهار یک بار ما را با خودش به معدن آلبلاغ ببرد. وقتی پیگیری‌های ما به پایان کار خود می‌رسد، برای ما روشن می‌شود در کنار اینکه این اقدام خطرآفرین جان اهالی روستاهای مذکور را به خطر انداخته، نبود درآمد مناسب و مشکلات مادی، برخی روستاییان را به سمت این کار سوق می‌دهد. این ماجرا هم جای سؤال و توجه دارد که سنگ‌های استخراج شده از محل چه موامعدنی با خود همراه دارند که سودجویان و دلانان را برای خرید به این منطقه کشانده است.

امیدواریم مسئولان تدبیری اتخاذ کنند که راه سودجویی‌ها گرفته شود و در کنار آن اهالی این روستاها در صورت فراهم شدن فرصت برداشت مجاز از محل به کار گرفته شوند و نیروی کار بومی فراموش نشود.



نشر

به واسطه انتشار یک سند محرمانه صورت گرفت

دستگیری گرداننده یک کانال تلگرامی

بدون رعایت قانون در کانال مذکور منتشر کرده‌اند. بر همین اساس بود که مقام‌قضایی به مأموران پلیس فتا خراسان‌رضوی دستور داد عامل این اقدام ردزنی شود. تحقیقات اولیه حاکی از آن بود که کانال مذکور یک آدمین دارد و او هم از طریق یک شماره تلفن اطلاعات را روی کانالش بارگذاری کرده است. هویت صاحب خط نشان می‌داد که مالک آن یک مرد است. این گونه بود که دستور بازداشت او صادر شد. به محض شناسایی مالک خط، او مدعی شد خط مذکور در اختیار خواهرش است. بود فردی برای انتصاب یک پست مدیریتی فاقد صلاحیت است را

مأموران کمی بعد متهم را دستگیر و پس از توقیف گوشی‌همراه و لپ‌تاپ او مشخص شد او به تنهایی مطالب را روی کانالش بارگذاری می‌کرده است. از سوی دیگر وقتی ادله جرم مورد بازبینی قرار گرفت، مشخص شد برخی از مدیران و کارمندان شهرداری مشهد با او در ارتباط بوده‌اند. حتی متهم از تمامی پیام‌هایی که برای او ارسال می‌شد، تصویر و عکس گرفته بود. قاضی غلامی در ایین زمینه به قدس گفت: به هیچ عنوان با

